

## نامه‌ی تروتسکی به شورای نویسندگان زیر درفش مارکسیزم

رفقای عزیز!

فکر انتشار مجله‌ی شما که بایستی راهنمای پرولتاریای جوان پیشآهنگ در عرصه‌ی نگرش ماتریالیستی به جهان باشد به نظر من بسی ارزشمند و پربار است.

نسل قدیمی کارگران کمونیست که امروزه نقش رهبر را در حزب و کشور ایفا می‌کند، ده پانزده، بیست سال پیش یا شاید هم بیشتر از این‌ها به زندگی آگاهانه‌ی سیاسی روی آورده است. او با مبارزه علیه پلیس، سازمان‌های مخفی زندان تزاریزم و سرمایه‌داری بود که اندیشیدن را آغاز کرد. اغلب اوقات در زندان یا تبعید بود که با مسائل فلسفه‌ی تاریخ و برداشت علمی از جهان آشنا شد. بدین ترتیب پیش از آن که پرولتاریای انقلابی با مهم‌ترین مسائل تبیین ماتریالیستی تکامل تاریخی آشنا شود، توانسته بود برپایه‌ی تجربه‌ی مبارزاتی اش در زندگی انبوهی از آموخته‌ها را بر مبنای حرکت از خاص به عام ببندوزد.

لیکن کارگر جوان امروزی در چهارچوب نظام شوروی بیدار می‌شود که خود نقد زنده‌ای از دنیای کهن است. نتیجه‌گیری‌های کلی که نسل قدیم کارگران از تجربه‌ی مبارزاتی شخصیش بیرون کشیده و به طرز

خداشه ناپذیری به صورت تنوری جمع بندی کرده امروز به شیوه‌ی تقریباً مستقیمی از دست حکومتی که نسل جوان کارگران در پرتو آن زندگی می‌کند به این نسل می‌رسد. چنین امری بی‌شک نشانگر پیشروی بزرگی درزمینه‌ی پرورش سیاسی و نظری گسترده‌تر کارگران است. ولی در عین حال در سطح و مرحله‌ی کنونی که به طرز مقایسه ناپذیری از سطحی که کارگران قدیمی به آن رسیده بودند پیش رفته‌تر است، وظایف نوین و دشوار تازه‌ای پیش پای نسل جدید قرار می‌گیرد.

دولت شوروی، نفی زنده‌ی جهان کهن، نظام اجتماعی آن، روابط متقابل اعضای آن و عقاید و باورهای آن است، ولی در همان حال این دولت از این سوی و آن سوی درگیر با تضادها، اشتباهات، اختلاف نظرها، نارضایتی فتنه‌انگیز و دریک کلام درگیر تأثیرهایی است که میراث گذشته و جوانه‌های آینده در آن به هم گره خورده‌اند.

در چنین دوران پُرگسست و نقدآمیزی که ما به سر می‌بریم، بایستی کارمان را بر پایه‌های نظری استوار و محکمی بنا سازیم. برای این امر، برای اجتناب از این که حوادث نامنتظره، جذومدهای شدید و تغییرهای شتابان وظایف و روش‌های عمل حزب، در ذهن نسل کارگران جوان سردرگمی نپراکند و اراده‌شان را فلج نسازد، باید اندیشه و اراده‌ی آنان به روش برداشت ماتریالیستی جهان مسلح شود. بدین ترتیب است که این نسل می‌تواند با دشواری‌های وظیفه‌ای که مسئولیت آن را بر دوش دارد، دست و پنجه نرم کند.

از آن رو از مسلح کردن توده‌ی ونه فقط اندیشه‌ی سخن می‌گوییم که در این دوران جنب و جوش‌های عظیم و گسترده، اراده‌ی ما بایستی پیش از هر

وقت دیگری تنها با اتکا به شناخت علمی شرایط و علل تکامل تاریخی، رزمندگی خود را حفظ کند.

از سوی دیگر به ویژه در دوران های پرجنبش و گسست آمیزی همانند دوران ما و به خصوص هنگامی که آهنگ حرکت حوادث انقلابی از آن چه که امید می رفت کندتر است، تقلاهای مکتب ها و فرقه های فلسفی گوناگون ایده آلیستی و نیمه ایده آلیستی ذهن کارگران جوان را پیوسته به خود معطوف می دارد. اندیشه ی جوانان کارگر بدون برخورداری از تجربه ی عملی ارزشمند مبارزه ی طبقاتی، چه بسا غافل گیر حوادث شده و در برابر گرایش های گوناگون ایده آلیزم که اساساً جزم های مذهبی را به زبانی به اصطلاح فلسفی بیان می دارند، خلع سلاح شود. همه ی این مکاتب با هر نامی که خوانده شوند- ایده آلیستی، کانتیستی، امپریوکریتیسیستی و دیگران- نهایتاً در تأیید این نکته به هم می رسند که ذهن، اندیشه و شناخت را بر ماده مقدم می دارند و نه برعکس.

وظیفه ی آموزش نسل جوان کارگر بر این مبتنی است که قوانین اساسی تکامل تاریخی و به ویژه مهم ترین این قوانین را برایشان توضیح دهند. قانونی که بیان می دارد شناخت انسانی نه روند روانی مستقل، بلکه معلول بنیادهای اقتصادی و مادی است، توسط این بنیادها مشروط می گردد و در خدمت آن ها در می آید.

وابستگی شناخت به منافع و مناسبات طبقاتی و وابستگی این منافع و مناسبات به ساخت اقتصادی جامعه، در دوران انقلابی به نحو برجسته ای مشخص می شود. ما باید با اتکاء به تجربه ی منحصر بفردمان به نسل جوانان کارگر کمک کنیم تا اصول روش مارکسیستی را ملکه ی ذهن خویش

سازند، ولی این کافی نیست. خود جامعه ی بشری هم از نظر ریشه های تاریخی اش و هم از جهت اقتصاد معاصرش، حاصل جهان طبیعی- تاریخی است. بایستی به انسان امروزی همانند حلقه ای از سلسله زنجیر تکاملی نگریست که با اولین هسته ی آلی آغاز می گردد که خودش حاصل آزمایشگاه طبیعت است، آزمایشگاهی که کانون عملکرد خصوصیات فیزیکی و شیمیایی ماده است. کسی که با چشم باز آموزش می بیند و گذشته ی تمامی جهان از جمله جامعه ی بشری، قلمرو حیوانی و گیاهی، منظومه ی شمسی و منظومه های بی شمار پیرامونش را در نظر می گیرد، چنین کسی به کتاب های "وحی شده ی" کهن و افسانه ی فلسفی دوران طفولیت بشر اکتفا نمی کند و کلید رمز آفرینش جهان را در ذهن جستجو نمی کند. کسی که وجود نیروهای آسمانی را که قادر باشند در زندگی خصوصی یا اجتماعی افراد دخالت کنند و به آن جهت بدهند، انکار می کند، کسی که اعتقاد ندارد احتیاج و رنج انسان ها در دنیایی دیگر پاداش موهوم و مجهولی خواهد یافت، چنین کسی روی زمین استواری ایستاده است و تکیه گاه کار نظریش را با جرأت و اطمینان بیشتری در شرایط مادی جامعه جستجو می کند. برداشت مادی از جهان نه فقط پنجره ای گشاده به روی تمامی گیتی باز می کند، بلکه پولادین ساز اراده است. تنها همین اراده ی پولادین است که انسان معاصر را به انسان راستین تبدیل می سازد. درست است که این انسان راستین در بند اوضاع مادی ستم گرانه است، ولی اکنون دیگر می داند که چگونه بر اوضاع چیره شود و در بنای جامعه ی جدید فعالانه شرکت می جوید. جامعه ای که به طور هم زمان بر پایه ی پیش رفت تکنیک و وسیع ترین همبستگی انسانی بنا شده است.

مهم ترین وظیفه ی شما، ارائه ی جهان بینی ماتریالیستی به نسل جوان کارگران است. برای مجله ی شما که می خواهد در این کار آموزش سترگ سهمیم باشد از صمیم قلب آرزوی موفقیت می کنم.

با درودهای کمونیستی

ل. تروتسکی

۱۹۲۲/۲/۲۷

### ترجمه: محمد جعفر پوینده

منبع: کتاب «از میان تاریخ مبارزات فلسفی در شوروی» نوشته ی: رنه زاپاتا

چاپ ۱۳۸۰

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: [yasharazarri@gmail.com](mailto:yasharazarri@gmail.com)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۲